

استراتژی های جدید برای محافظت از جنگلهای استوایی

Rhett A. Butler¹ and William F. Laurance²

¹ Mongabay.com, P.O. Box 0291, Menlo Park, CA 94026, USA

² Smithsonian Tropical Research Institute, Apartado 0843-03092, Balboa, Ancon, Panama

در فاصله تنها یک تا دو دهه ماهیت تخریب جنگلهای استوایی تغییر کرد. امروزه تخریب جنگلهای استوایی نه به دست کشاورزان محلی بلکه عمدتاً توسط صنایع بزرگ و اقتصاد جهانی مانند تولیدات الوار، توسعه نفت و گاز، کشاورزی در سطح وسیع و کاشتن درختان غیر بومی انجام میشود. هرچند با وجود آمدن چالشهای جدی، تغییرات باعث ایجاد فرصتهای جدیدی برای حفاظت از جنگل میشود. اینجا ما به این موضوع می پردازیم که با افزایش فشار افکار عمومی بر مؤسسات مسؤل و گروههای تجاری، تلاشها برای حفاظت میتواند نقش بیشتری در سرنوشت جنگلهای استوایی داشته باشد.

مقدمه

جنگلهای استوایی غنی ترین اکوسیستم بایولوژیکی زمین هستند و نقش حیاتی در رطوبت و آب، منابع کربن منطقه و آب و هوای زمین دارند. از بین رفتن جنگلهای استوایی با سرعت بسیار زیادی ادامه دارد و هر ساله حدود 13 میلیون هکتار از این جنگلهای نابود میشوند. هر چند در دهه های گذشته این میزان تغییر مهمی نکرده اما عامل اصلی جنگل زدایی از قطع درختان برای امرار معاش در دهه های 1960 تا 1980 به از بین بردن جنگلهای توسط صنایع تغییر یافته است. ما بر این باوریم که با این دیدگاه می توان راهکارهای اساسی برای حفاظت از جنگل یافت.

از دهه 1960 تا 1980 جنگل زدایی در مناطق استوایی به طور گسترده ای توسط سیاستهای دولتی برای توسعه مناطق روستایی ترویج می شد که شامل وامهای کشاورزی، مشوقهای مالیاتی و ساختن راهها بود که همراه با رشد سریع جمعیت در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بود. این مشوقها به طور مشخص در کشورهایی مانند برزیل و اندونزی باعث هجوم به مناطق بیشتری و در نتیجه باعث انهدام سریع جنگلهای شد. توجه به این موضوع که کشاورزان خرده و کشاورزی مهاجرتی دلیل اصلی انهدام جنگلهای بودند، باعث رویکردهای حفاظتی مانند پروژه یکپارچگی حفاظت و توسعه شد که قصد در برقراری ارتباط بین حفاظت از طبیعت و توسعه پایدار در مناطق روستایی داشت. هرچند بسیاری عقیده دارند که این پروژه به دلیل ضعف در برنامه ها و اجرا و همچنین استفاده کشاورزان از بودجه ها برای افزایش درآمد خود به جای جایگزینی با درآمد حاصل از تخریب طبیعت، به صورت گسترده ای ناموفق بوده اند.

اخیراً تأثیر مستقیم مردم روستایی بر جنگلهای استوایی به حالت توازن درآمده و حتی در برخی مناطق میتواند کاملاً از بین برده شود. هرچند بسیاری از کشورهای استوایی رشد سریع جمعیت دارند اما سیر شهرنشینی در مناطق در حال توسعه به جز Sub-Sahara در آفریقا به معنای رشد کند در جمعیت روستایی است و حتی در برخی مناطق باعث کاهش آن شده است. در بسیاری کشورها از محبوبیت زندگی در جنگلهای

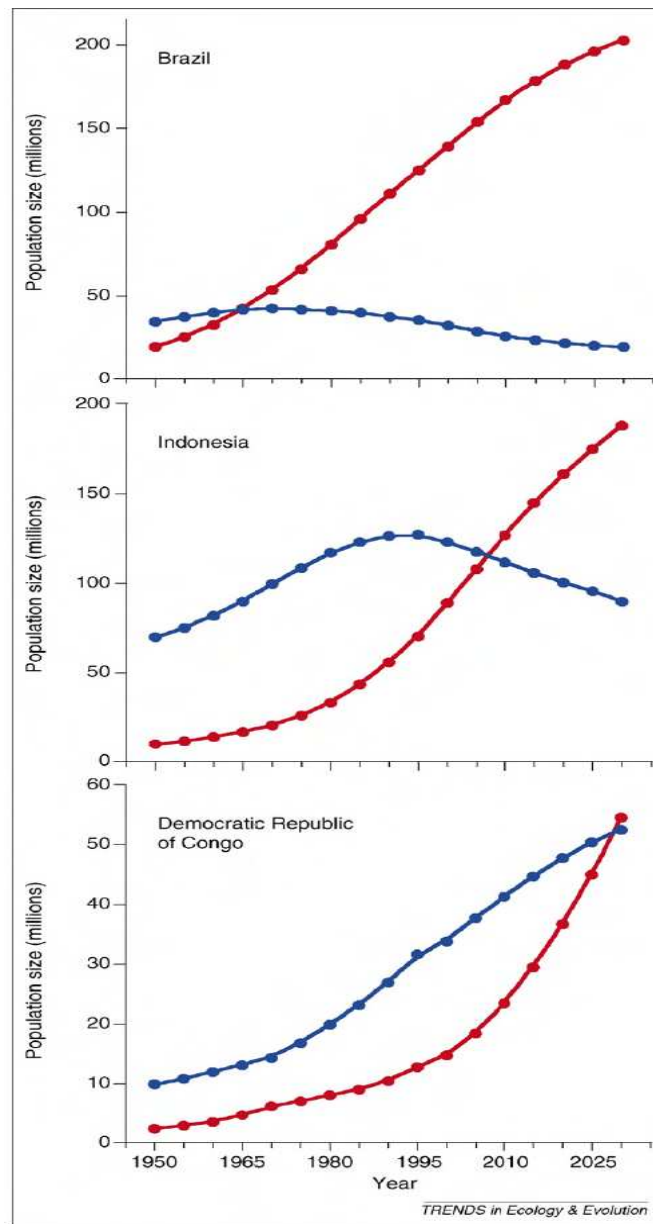
پاکسازی آن کاسته شده است. با ادامه این روند، از فشار بر جنگلها توسط کشاورزان خرد، شکار و جمع آوری هیزم کاسته خواهد شد.

در همین زمان جهانی شدن بازار اقتصاد و افزایش جهانی قیمتها باعث ایجاد یک محیط بسیار جذاب برای بخش خصوصی میشود. در نتیجه صنایع چوب، معدن، توسعه نفت و گاز و مخصوصاً کشاورزی در سطح وسیع به دلیل اصلی انهدام جنگلها تبدیل میشوند. به طور مثال در آمازون در برزیل، دامداریهای بزرگی با سه برابر تعداد احشام بوجود آمده اند از 22 به 74 میلیون از سال 1990، و همچنین صنایع چوب و کشت دانه های روغنی به طور وسیعی توسعه یافته اند. تغییر ناگهانی تقاضا برای دانه ها و روغنهای خوراکی، به همراه تقاضا برای سوختهای گیاهی و بالا رفتن استاندارد زندگی در کشورهای در حال توسعه باعث افزایش این جریان میشود.

هرچند ما از توسعه نقش صنایع دراز بین بردن جنگلها احساس خطر می کنیم (نمودار 2) اما نشانه هایی از فرصتهایی برای مدیریت و حفاظت از جنگل نیز وجود دارد. به جای تلاش برای تأثیر بر صدها میلیون جمعیتی که در جنگلهای استوایی زندگی میکنند که یک چالش سخت میباشد، طرفداران حفاظت میتوانند تمام تلاش خود را معطوف تعداد کمتری از مجموعه های بهره بردار از منابع نمایند. بسیاری از آنها مجموعه های بین المللی و یا مجموعه های داخلی اند که به دنبال راه یافتن به بازار جهانی هستند و این امر آنها را مجبور به رعایت اصول زیست محیطی میکند که مورد توجه صاحبان سهام و مصرف کنندگان است. قصور از این موازین باعث به خطر افتادن شهرت آنها میشود.

مجموعه های که با افکار عمومی روبرو میشوند

امروزه تنها تعداد محدودی از مجموعه ها میتوانند بر راحتی بدون در نظر گرفتن محیط زیست به فعالیت خود ادامه دهند. گروه های دوستدار طبیعت می آموزند که چگونه با مجموعه ها و شرکتهای خلافکار با تشویق مصرف کنندگان به تحریم کالاها و اطلاع رسانی عمومی مبارزه کنند. برای نمونه، اخیراً بعد از اعتراض شدید عمومی، صلح سبز بزرگترین کارخانه های روغن کشتی در آمازون را وادار به اجرای قانون زیست محیطی در تولید نمود و توسعه سیستم تراکینگ را برای اطمینان از اینکه محصولات مناسب برای تولید الوار است، به تأخیر انداخت. تحریمهای اخیر توسط مجموعه جنبش جنگلهای بارانی (رن) باعث فعالیت و داشتن بسیاری از مجموعه های خرده فروش زنجیره ای آمریکا مانند فروشگاه های زنجیره ای هم دپات و لوز شد تا سیاست خرید خود را برای خرید الوارها و محصولات چوبی تولید شده بر اساس اصول پایدار تغییر دهند. با ترس از به خطر افتادن شهرت، رن برخی از بزرگترین مجموعه های اقتصادی مانند: بانک آمریکا، گلدمن و سیتی گروپ را متقاعد به اصلاح و تغییر اعتبارات و وامها برای پروژه های جنگل نمود.



نمودار 1: تغییرات در جمعیت شهری (قرمز) و روستایی (آبی) در شهرهای مهم استوایی آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا از سال 1950 تا 2030 تخمین زده شده توسط بخش جمعیت سازمان ملل.

گرایشهای اخیر باعث سهولت کار در متقاعد کردن صنایع استفاده کننده از منابع طبیعی برای گروه های حافظ محیط زیست شده است. بدلیل مقیاس اقتصادی مجموعه های چندملیتی معمولاً تمرکز در چند کشور بزرگ را مؤثرتر میدانند به دلیل اینکه تحت مراقبت تعداد کمتری از گروه های کنترل کننده قرار میگیرند. علاوه بر این تعداد زیادی از صنایع به دلیل ترس از تبیغات منفی، دارای انگیزه برای ایجاد ائتلاف بین اعضا برای ارتقاء فعالیتهای پایدار زیست محیطی هستند. نمونه این صنایع آلپانکا دا ترا برای گلّه داران آمازون، میزگرد برای روغن نخل پایدار در جنوب شرقی آسیا و مجمع نظارت بر جنگل برای صنعت جهانی الوار هستند. بنابراین

به جای نشانه رفتن صدها مجموعه متفاوت، طرفداران حفظ منابع طبیعی میتوانند اثر بزرگی با فشار بر چند صنعت برجسته داشته باشند.

این مجموعه ها و کمپانی ها را می توان با تشویق و تهدید تحت تأثیر قرار داد. مجموعه هایی که فعالیتهای پایدار و همگام با محیط زیست دارند از رشد تعداد مصرف کنندگان و قیمتهای بالاتر برای محصولات خود بهره میبرند. بنا بر گفته منابع صنعتی، برای مثال محصولات الوار سبز - محصولاتی که مطابق بر اصول زیست محیطی تولید میشوند - 7.4 بیلیون دلار در سال 2005 تنها در آمریکا فروخته شده اند و انتظار میرود که این رقم به 38 بیلیون دلار در سال 2010 برسد. مشوقهایی مانند این میتوانند اهرمهای مؤثرتری مخصوصاً برای مجموعه های چندملیتی باشد که سعی در راضی نگه داشتن مشتریان و سهامداران خود دارند تا آن مجموعه های محلی که به تنهایی در کشورهای در حال توسعه در حال فعالیت هستند.

چالشهای جدید

رشد اثرات جنگزدایی توسط صنایع طبقات منفی بسیاری نیز دارد. صنعتی شدن می تواند باعث سرعت در انهدام جنگلها شود زیرا زمانی جنگل با نیروی انسان و دست توسط کشاورزان از بین میرفت اما امروزه به سرعت توسط ماشین آلات نابود میشود. علاوه بر این صنایعی مانند چوب، معدن و توسعه نفت و گاز نه تنها به صورت مستقیم بلکه غیر مستقیم نیز با فراهم آوردن بودجه برای ساختن راه های جنگلی به انهدام جنگلها سرعت می بخشند. وجود چنین راه هایی باعث فراهم آمدن دسترسی غیر قابل کنترل شکارچیان، زمین خواران و مهاجران به منطقه میشود.

مشکل دیگر توجه نداشتن تمام بازارها به اصول زیست محیطی است. در بسیاری کشورهای در حال توسعه دغدغه های زیست محیطی به دلیل توجه به تقاضاهای طبقه متوسط در حال رشد کم اهمیت می باشند. به عنوان مثال بر خلاف مصرف کنندگان اروپایی و آمریکای شمالی، مصرف کنندگان در آسیا توجه کمی به محصولات چوبی تولید شده بر اساس اصول زیست محیطی نشان می دهند. علاوه بر این همانطور که قیمتهای مواد خام در حال افزایش است تلاش زیاد برای منابع طبیعی میتواند باعث اطمینان از تولید محصولات پایدار زیست محیطی و برآوردن انتظارات مصرف کنندگان شود.



TRENDS in Ecology & Evolution

اما در انتها باید گفت حتی وفور مصرف کنندگان پایدار به اصول نمیتواند باعث اطمینان از رفتار درست تولید کننده باشد (به جعبه یک مراجعه کنید). بسیاری از تولیدکنندگان با نظاهر به تولید محصولات دوستدار طبیعت که کمترین فایده را برای محیط زیست دارد متهم به گرین واشینگ هستند. برای نمونه در صنعت چوب استوایی برخی صنایع مشکوک، به حمایت از گروههایی می پردازند که با مجموعه های نظارتی مانند مجموعه نظارت بر جنگل به رقابت میپردازند. ردیابی محصولات از جنگل تا مصرف کننده نهایی که از زنجیر واسطه، تولیدکننده و خرده فروش میگذرد بسیار مشکل است. به عنوان مثال اخیراً صلح سبز فاش کرد که تولید کنندگان عظیم مواد غذایی مانند: نستله، پروکتر، گمبل و یونیلور از روغن نخلهایی استفاده می کردند که در زمینهای به تازگی جنگلدایی شده رشد کرده بودند. این پیچیده گیها باعث سود متقلبانه و کاهش سود مجموعه هایی میشود که برای تولید محصولات دوستدار طبیعت تلاش میکنند.

جعبه 1: چالشها در صدور گواهینامه های زیست محیطی

در مناطق استوایی سیاست صدور گواهینامه های زیست محیطی مانند هر جای دیگر با مشکلاتی روبرو است. حتی وقتی مشتریان علاقه مند به محصولات دوستدار طبیعت هستند، صدور گواهینامه های زیست محیطی برای محصولات میتواند با فساد و نظارت ضعیف، سیستم نا کارآمد در ارزیابی محصولات و ورود محصولات بدون گواهینامه به بازار مختل شود.

برای نمونه مجموعه نظارت بر جنگل که به عنوان استاندارد طلایی در محصولات چوبی مورد قبول است، به شدت از طرف برخی گروههای محیط زیست مورد انتقاد قرار گرفته است. منتقدان عقیده دارند تأیید کردن محصولات تهیه شده از منابع گوناگون مانند وسایل منزل که تنها قسمتی از آن از چوبهای دارای گواهینامه باشد به اعتبار این مجموعه صدمه میزند. تأیید کردن برخی الوارهای مشکوک که از سیستم تک محصولی در زمینهای جنگلی بدست آمده نیز به این امر دامن میزند. یک گزارش در مجله وال استریت در سال گذشته، مجموعه نظارت بر جنگل را وادار ساخت تا گواهینامه یک شرکت کاغذ آسیایی در سنگاپور را به دلیل فعالیتهایی که موجب صدمه به جنگلهای جزیره سوماترا اندونزی شده بود را لغو کند.

فساد و فریبکاری نیز مسائل مهمی هستند. همدستی برخی شرکتهای با مأموران فاسد باعث صدور گواهینامه های جعلی میشود در حالیکه برخی دیگر بدون داشتن گواهینامه ادعا بر داشتن آن میکنند. اخیراً گزارشی در مورد صنعت چوب در جنوب شرقی آسیا فاش کرد که حداقل دو مجموعه اصلی بدون داشتن گواهینامه های زیست محیطی بر داشتن آن ادعا میکردند.

چالش دیگر ارزیابی فعالیتهای گوناگون مجموعه های بین المللی تولید الوار است. مؤسسات صدور گواهینامه به دلیل تمرکز بسیار زیاد بر مناطق حفاظت شده و غفلت از مجموعه های زیان آور در مناطق دیگر، مورد انتقاد قرار گرفته اند. بعلاوه مجموعه های تجارت الوار معمولاً الوار را از منابع مختلفی خریداری میکنند و به شرکتهای دیگر می فروشند و پی بردن به این که این شرکتهای فعالیت آنها باعث صدمه میشود یا نه بسیار دشوار است.

در انتها برخی منتقدان بر این باورند که حتی تولید الوارهای دارای گواهینامه و تأیید شده در طولانی مدت فعالیت پایداری نخواهد بود. استمرار در تهیه الوار از درختان مسن باعث کاهش ذخایر کرین و صدمه به زیستگاههای جنگلی میشود که این امر تنوع حیاتی را تهدید میکند. علاوه بر اینها مناطقی که مورد برداشت قرار میگیرند در معرض خطرات بیشتری از قبیل خشک شدن، آتش و نابودی نسبت به مناطق دست نخورده قرار دارند.

آینده

علاوه بر تمام این پیچیدگیها دوستداران طبیعت باید بیاموزند که چگونه به طور مؤثر با مجموعه هایی که مسئول انهدام جنگلهای هستند مقابله کنند. چرا که این فعالیتهای به طور قطع در آینده افزایش خواهد یافت زیرا انتظار می رود فعالیتهای صنعتی در دنیا در حدود 300 تا 600 درصد تا سال 2050 رشد داشته باشد و بیشتر آن در کشورهای در حال توسعه خواهد بود. روزبه روز تعداد بیشتری از این مجموعه ها به فواید پایبند بودن به اصول محیط زیست پایدار در تجارت پی میبرند. با این شرایط ما به بحث و گفتگوی بیشتری بین صنایع، دانشمندان و دوستداران طبیعت در مناطق استوایی نیاز داریم.

جدا از اثر فعالیتهای گروههای محیط زیستی، سیاستهای دولتی و قراردادهای بین المللی مانند کنواسیون چهارچوب کاری سازمان ملل درباره تغییرات آب و هوا و کنواسیون تنوع بایولوژیکی میتواند بر فعالیت صنایع تأثیر بگذارد. برای نمونه سوبسید زیاد دولت آمریکا برای اتانول ذرت باعث بوجودآوردن شرایطی در بازار شده که بر سرعت انهدام جنگلهای آمازون افزوده است، در حالیکه در نهایت سیستم کربن بین المللی میتواند باعث کاهش سرعت جنگزدایی در برخی کشورها شود. این سیاستها بدلیل تغییرات سریع و فقدان اجرا مورد توجه دستداران طبیعت و گروههای محیط زیستی قرار نمی گیرند.

بوجود آمدن هر تغییری بستگی به ما دارد. در یک سو سرعت زیاد جهانی شدن و کشاورزی صنعتی، صنایع چوب، معدن و تولید سوختههای گیاهی به عنوان دلیل اصلی انهدام جنگلهای استوایی هستند. اما در سوی دیگر بیدار شدن افکار عمومی و حساسیت به محیط زیست پایدار باعث ایجاد موقعیتهای جدیدی برای حفاظت از جنگلها میشود. با نشانه رفتن صنایع مهم از طریق اطلاع رسانی و آموزش مصرف کنندگان، دستداران طبیعت میتوانند به سلاح مهمی در جهت حفاظت و حراست از جنگلها دست یابند.

قدردانی

با سپاس از نظرات سازنده توماس رودل، رابرت اورز، سوزان لاورانس، کاتجا بارگوم و سه داور بی نام.